

تحلیل محتوایی و سبکی نسخه خطی فوائدالسالکین

بهاره محمدزاده^۱، اصغر دادبه^{۲*}، عبدالحسین فرزاد^۳

۱- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

۲- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ گروه زبان و

ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران.

۳- گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ گروه زبان و

ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

فروردین ۱۴۰۲، دوره ۱۶، شماره پیاپی ۸۳، صص ۲۳۱-۲۱۹

DOI: 10.22034/bahareadab.2023.16.6857

نشریه علمی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی

(بهار ادب)

چکیده:

زمینه و هدف: آثار عرفانی بستر مناسبی جهت ایجاد معنا و تفاسیر معنوی به شمار می‌آیند. فوائدالسالکین نسخه‌ای است تألیف «بابا فریدالدین»، از مؤلفان قرن ششم و هفتم شبه‌قاره. موضوع نسخه، ذکر مجالس پیران صوفیه است بطور عام و بررسی مجالس پیران چشتیه و قطب‌الدین بختیار اوشی، پیر و مرشد بابا فریدالدین گنج‌شکر بطور خاص. در این پژوهش، بررسی ادبی و محتوایی نسخه، متن آن و ویژگیهای زبانی و ارزشهای ادبی موردنظر بوده است.

روش مطالعه: با توجه به در دسترس داشتن پنج نسخه از نسخ این اثر، روش تصحیح براساس نسخه اساس یعنی نسخه کتابخانه مجلس و بررسی تفاوت‌های آن با نسخ بدل مدنظر قرار گرفت. علاوه‌براین محتوای عرفانی، ادبی و سبکی نسخه به روش «تحلیل محتوا» مورد بررسی قرار گرفت.

یافته‌ها: تنوع در نوع نگارش و نثر کتاب نیز چشمگیر و درخور توجه است؛ به این معنا که در بخش آغازین (بویژه دیباچه و مقدمه) پیرو سبک مرسل «مرسل عالی» است؛ اما متن اصلی کتاب در بسیاری از موارد به اغلاق و تعقید سوق یافته است. پیروی درخور توجه نثر کتاب از قواعد زبان عربی شامل مطابقت صفت و موصوف، تنایع اضافات، جمع مکسر، حذف به قرینه اجزای جمله، کاربرد ویژه افعال، کاربرد واژه و ترکیب در هیأت و معانی دیگرگون در اکثر موارد به چشم می‌خورد.

نتیجه‌گیری: این کتاب نمونه انشای قرن ششم و هفتم ه.ق و نمونه‌ای از نثر مجالس صوفیانه شبه‌قاره هند است و میتواند برای مقایسه بین شیوه‌های سبکی مختلف نثر فارسی مورد استفاده و بررسی قرار بگیرد. استفاده از صنایع بدیع لفظی و معنوی از قبیل جناس، سجع، تضمین، تشبیه، استعاره، تمثیل، و تضمین از دیگر ویژگیهای فوائدالسالکین است. در این اثر کاربرد احادیث در حدی است که اگر از متن حذف شوند، جملات و معانی آن دچار نقصان میشود.

تاریخ دریافت: ۲۳ فروردین ۱۴۰۱
تاریخ داوری: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱
تاریخ اصلاح: ۰۶ خرداد ۱۴۰۱
تاریخ پذیرش: ۲۵ تیر ۱۴۰۱

کلمات کلیدی:

نسخه خطی، فوائدالسالکین، تحلیل محتوا، سبک‌شناسی.

* نویسنده مسئول:

a.daadbeh@yahoo.com

۷۷۰۰۳۳۰۱ (۹۸ ۲۱) +



ORIGINAL RESEARCH ARTICLE

A study of the style and content of Fava'ed al-salekin manuscript

B. Mohammadzadeh¹, A. Dadbeh^{*2}, A. Farzad³

1- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

2- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

3- Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

ARTICLE INFO

Article History:

Received: 12 April 2022

Reviewed: 15 May 2022

Revised: 27 May 2022

Accepted: 16 July 2022

KEYWORDS

Manuscript, Favaed al-salekin,
Content Analysis, Stylistics

*Corresponding Author

✉ a.dadbeh@yahoo.com

☎ (+98 21) 77003301

ABSTRACT

BACKGROUND AND OBJECTIVES: Mystical works are a suitable platform for creating meaning and spiritual interpretations. Favaed al-Salekin is a version written by "Baba Farid al-Din", one of the authors of the 6th and 7th centuries of the sub-continent. The subject of the edition is to mention the congregations of Sufi elders in general and to examine the congregations of Cheshtiyeh elders and Qutbuddin Bakhtiar Oshi, the elder and mentor of Baba Fariduddin Ganjshakar, in particular. In this research, the literary and content review of the version, its text, linguistic features and literary values were considered.

METHODOLOGY: Considering the availability of five copies of this work, the method of correction was considered based on the original version, in the version of the Majles library, and examining its differences with the modified version. In addition, the mystical, literary and stylistic content of the version was examined by the "content analysis" method.

FINDINGS: The variety in the type of writing and prose of the book is also remarkable and worthy of attention; In this sense, in the opening part (especially the preface and introduction), he follows the style of the "Great Messenger"; But the main text of the book has been led to exaggeration in many cases. The book's prose follows the rules of the Arabic language, including the matching of adjectives and adverbs, the sequence of additions, the plural, the relative elimination of sentence components, the special use of verbs, the use of words and combinations in groups, and different meanings can be seen in most cases.

CONCLUSION: This book is an example of an essay of the 6th and 7th century AH and an example of the prose of the Sufi councils of the Indian subcontinent, and it can be used and analyzed to compare different styles of Persian prose. The use of original verbal and spiritual techniques such as puns, puns, guarantees, similes, metaphors, similes, and guarantees are among the other features of Favaed al-Salekin. In this work, the use of hadiths is to the extent that if they are removed from the text, the sentences and their meanings will suffer.

DOI: [10.22034/bahareadab.2023.16.6857](https://doi.org/10.22034/bahareadab.2023.16.6857)

NUMBER OF REFERENCES	NUMBER OF TABLES	NUMBER OF FIGURES
 13	 0	 0

مقدمه

«بابا فریدالدین شکرگنج» یکی از مشایخ معروف چشتیه و شاگرد قطب‌الدین بختیار اوشی است؛ در قصه کهن‌توال در ناحیه ماتان و استان پنجاب پاکستان امروزی، چشم به جهان گشود. سال وفات وی را ۶۶۶ ق نوشته‌اند (میرخورد، ۱۳۵۷: ۱۰۱). زندگی و آثار این عارف بزرگ، ما را به شناخت تصوف اسلامی و سیر آراء و اندیشه‌های طریقت چشتیه در شبه‌قاره رهنمون میشود. وی نزد معین‌الدین اجمیری و دیگران درس خواند و پس از روی آوردن به تصوف، به «قطب‌الدین بختیار کاکي» از مشایخ بزرگ چشتیه دست ارادت داد و در تمام مجالس قطب‌الدین که تعلیم آداب طریقت چشتیه بود، شرکت میکرد و ملفوظات پیر خود را مینوشت. بابا فرید صاحب کتابهایی چند از جمله فوائدالسالکین، گنج اسرار، جوگی‌نامه، تحفه‌الرساله، رساله وجودیه، اسرارالاولیاء، راحت‌القلوب، رساله عرفانی، سراج‌الوجود و اشعار مختلف به زبانهای فارسی، پنجابی و اردو است. مهمترین اثر او فوائدالسالکین است که بطور عام شامل مجالس پیران صوفیه است و بطور خاص نگارش ملفوظات یکی از پیران چشتیه، قطب‌الدین بختیار کاکي.

سابقه پژوهش

فوائدالسالکین با اینکه مهمترین اثر بابا فریدالدین گنج‌شکر است و از لحاظ بررسی و سبک‌شناسی متون صوفیانه، نمونه‌ای درخور توجه است اما تا کنون بصورت نسخه خطی باقی مانده و هیچ پژوهش مستقلى راجع به تحلیل محتوا و سبک‌شناسی این اثر انجام نشده است.

روش مطالعه

در این پژوهش، با استفاده از روش کتابخانه‌ای، به شیوه تحلیلی- توصیفی به جمع‌آوری اطلاعات زندگی بابا فریدالدین، آثار او و همچنین معرفی و تحلیل محتوای مهمترین اثر او فوائدالسالکین و سبک‌شناسی آن پرداخته- ایم. برای انجام این امر نخست تصویر نسخه‌های خطی و تذکره‌های چاپی و فرهنگها و نسخه چاپ سنگی این اثر در لاهور، گردآوری گردید و سپس با مقابله نسخه اساس با نسخ خطی دیگر، صورت صحیح آنها نگاشته شد و همچنین توضیح جامع و کامل شرح احوال مؤلف با توجه به منابع کهن و اشاراتی که به زندگی وی شده است، فراهم شده است و با بررسی متن بلحاظ محتوایی و سبکی به نتیجه رسید.

بحث و بررسی

زندگی بابا فریدالدین

معروف است که اجداد فریدالدین، ایرانی و از تبار فرخ شاه کابلی بودند (علوی کرمانی، ۱۳۹۸: ۶۸). هویت فرخ شاه چندان مشخص نیست و در بعضی مآخذ، انساب شیخ را به خلیفه دوم عمر هم رسانیده‌اند (همانجا). درباره تاریخ ولادت شیخ فریدالدین نیز سند دقیقی در دست نیست. بعضی سال ۵۹۵ ه.ق را ذکر کرده‌اند (همانجا)؛ در تاریخ فرشته سال تولد وی ۵۸۴ ه.ق ذکر شده است (تاریخ فرشته: ۳۸۳)؛ در خزینةالاصفیا سال ۵۸۵ ه.ق آمده است (قریشی لاهوری، ۱۳۲۰: ۳۰۴)؛ در اخبار الاخیار (محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۱۰۱) و نیز سیرالاولیاء (علوی کرمانی، ۱۳۹۸: ۵۴) سال ۵۶۹ ه.ق ذکر شده است. همانطور که ذکر شد در هیچکدام از سالهای ذکر شده، یکسان نیستند و تاریخ دقیقی از زمان ولادت و وفات فریدالدین در دسترس نیست. اگر دو مأخذ اخیر را که قدیمیترین

اسنادند، ملاک قرار دهیم و سن خواجه را بنا به قول مشهور ۹۵ سال در نظر بگیریم و سال وفات او را ۶۶۵ ه.ق بدانیم، سال ۵۶۹ ه.ق تقریباً زمان صحیح ولادت وی خواهد بود (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۴۴).

وجه تسمیه گنج‌شکر / شکرگنج: درمورد این لقب در کتب معتبر دو دلیل آمده که هر دو در قالب حکایت بیان شده است. حکایت اول مربوط به ریاضت‌کشی فریدالدین نزد بختیار اوشی است که پس از چند روز روزه‌داری، اول با غذای مستی افطار میکند و انقلابی درونش برپا میشود و غذا را بیرون میندازد و روزه را ادامه میدهد و از فرط گرسنگی سنگریزه در دهان میکند که تبدیل به شکر میشود و او از ترس مکر الهی بیرون می‌فکند تا سه بار این اتفاق می‌فتد و در نهایت با همان افطار میکند و از آن به بعد به او گنج‌شکر می‌گفتند.

حکایت دوم مربوط به گفتگوی او با بازرگانی است که بارش شکر بود و بابا فرید از مالش می‌پرسد. او پاسخ میدهد نمک است و شیخ می‌گوید نمک باد. وقتی بازرگان به شهر میرسد، می‌بیند مال‌التجاره‌اش نمک است، به معذرت نزد شیخ می‌آید و شیخ می‌گوید شکر باد و مالش شکر میشود. (محدث دهلوی، ۱۳۸۳: ۱۰۰). حکایت غیرمعروف دیگری هم منقول است که مربوط به زمان کودکی شیخ میشود که هر وقت نماز می‌خواند، مادرش به او از لب طاقچه شکر میداد. یک بار که مادرش شکر در محل مورد نظر نگذاشته بود، شیخ می‌رود و پس از نماز از همان موضع شکر برمیدارد و می‌خورد که باعث تعجب مادرش میشود! درباره حکایت سوم باید گفت در صورت صحت این حکایت، شیخ از کودکی و قبل از پیوند به طریقت چشتیه به این لقب شهره بوده که دور از ذهن به نظر میرسد. (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۴۸).

جایگاه سلسله چشتیه در شبه‌قاره: «چشتیه» سلسله‌ای معروف از صوفیان مسلمان شبه‌قاره، منسوب به چشت است. این سلسله دنباله سلسله «دهمیه» منسوب به ابراهیم‌بن ادهم است که از مشایخ بزرگ صوفیه در اواخر سده سوم و اوایل سده چهارم است. پیروان چشتیه، حنفی مذهبند؛ با این حال ارادت خاصی به ائمه شیعه دارند. شکلگیری «چشتیه» در چشت از قرن چهارم آغاز شد و تا قرن هفتم ادامه پیدا کرد و از قرن ششم بتدریج از ناحیه هرات و خراسان بزرگ به شبه‌قاره گسترش پیدا کرد. مؤسس و مروج سلسله «چشتیه» در هند، «خواجه معین‌الدین» بود. «اجمیر»، «ناگور» (ناحیه‌ای در راجستان هند) و «دهلی» از مراکز مهم تصوف «چشتی» در قرن هفتم بودند.

قطب‌الدین بختیار، شیخ بدرالدین و شیخ فریدالدین گنج‌شکر در اجوده‌ن پاکستان، خواجه نظام‌الدین اولیاء و دو خلیفه وی (شیخ سراج‌الدین و برهان‌الدین غریب) در بنگال و دکن، شیخ نصیرالدین محمود معروف به چراغ دهلی در دهلی، و سیدمحمد گیسودراز و اخلاف وی در نواحی دکن، باعث گسترش سلسله چشتیه و ترویج زبان فارسی در سرزمین هند شدند. مضاف بر آن، سهم مشایخ چشتیه در ترویج اسلام در شبه‌قاره، درخور توجه و اهمیت است. «چشتیه» در اواخر قرن هفتم و اوایل قرن هشتم، در دوره نصیرالدین، چراغ دهلی، به اوج معنوی خود رسید و با مرگ وی، رو به انحطاط و زوال نهاد (انوری، ۱۳۸۷، ج ۱: ۵۷۸).

مولوی عبدالحلیم حسینی، از بزرگان تصوف و عرفای هرات معاصر، بر این نظر است که هدف طریقه‌های چهارگانه تصوف (چشتیه، قادریه، نقشبندیه و سهروردیه)، شناخت و معرفت خداوند است. در قانون اصلی تصوف و عرفان، اصل تصوف عملی است و شریعت مقدم بر طریقت است. به بیان دیگر شریعت بیان است و طریقت عمل، حقیقت ثمره آن، و معرفت، رسیدن به آن. معرفت بعد از حقیقت است؛ تا حقیقتی وجود نداشته باشد، معرفتی به دست نخواهد آمد. مسیر حق همان مسیری است که محمد رسول‌الله (ص)، اهل بیت (ع)، صحابه و تابعین طی کرده‌اند.

اساس اندیشه‌های چشتیه بر شریعت و سنت استوار است. آنها معتقد بودند اصلاح شخصیت بدون محبت الهی و احترام به سنت‌های الهی ممکن نیست. آنها بر ارزشهای اخلاقی و روحانی تأکید داشتند تا اخوت انسانی را تقویت نمایند. از نظر مشایخ نخستین چشتیه، نام دیگر مذهب، خدمت به خلق خداست و هر کوششی در جهت خدمت به خلق قابل تقدیر و ارج است. مشایخ چشت جنبه عملی نظریه وحدت وجود را رواج دادند و از آن برای اتحاد اجتماعی در جامعه استفاده کردند. آنها بر این باور بودند که از دربار و دستگاههای سیاسی باید فاصله گرفت، نه از مراکز بزرگ جمعیتی. علم در میان مشایخ چشتیه جایگاه ارزشمندی داشت. برای دریافت خرقة، بایستی شخص در علوم ظاهری به کمال میرسید؛ زیرا معتقد بودند انسان فاقد علم میتواند اسرار تصوف را دریابد و امراض روحانی انسان را درمان کند (علاء سجزی، ۱۳۹۰: صص ۱۳-۱۲).

مشایخ چشتیه، در تعلیم آموزه‌های تصوف، از روشهای مبتنی بر بیان داستانها و حکایت و قصص استفاده میکردند. این شیوه تعلیم چشتیه، اثر زیادی بر تعالیم صوفیان «فردوسیه» که شاخه‌ای از طریقت «سهروردیه» اند، داشته است. یکی از رهبران فردوسیه که متأثر از چشتیه بوده، شیخ شرف‌الدین احمد یحیی منیری (۷۸۲-۶۶۱) است. منیری در ۶۹۰ ه.ق در زمان سلطان جلال‌الدین فیروزه خلجی (حکومت ۶۹۵-۶۸۹ ه) که دهلی مرکز علم و تصوف بود، با نظام‌الدین اولیاء، رهبر چشتیان هند، ملاقات داشته است. مشایخ چشتیه مریدان خویش را تشویق میکردند که نهایت احترام را به پیرانشان از خود نشان دهند (همان: ۳۲). از دیگر اصول مهم چشتیان، ریاضتهای سخت، نپذیرفتن هدایای حکومتی - البته دریافت فتوحی که بدون چشمداشتی خاص از روی محبت و ارادت به آنها میشد جایز میدانستند - (همان: ۱۲۶) و دوری از مناصب دولتی بوده است. با پایبندی به این اصول، چشتیان سعی داشتند برغم سهروردیان، با نزدیکی به گروههای مختلف اجتماعی جامعه هند، استقلال خود را در برابر حکومت‌های وقت حفظ کنند؛ هرچند این سیاست گاهی موارد باعث تقابل دستگاه حاکمه با آنها میشد (مجتبایی، ۱۳۸۷: ۵۸).

آثار شیخ بابا فریدالدین

فوائدالسالكين: مهمترین تألیفی که از بابا فرید گنج‌شکر باقی مانده، این اثر است. این کتاب مشتمل بر ملفوظات پیر و مراد بابا فرید یعنی خواجه بختیار قطب‌الدین اوشی است که شیخ آن را به رسم چشتیان گردآوری کرده است. این کتاب بسیار مختصر است و فقط ذکر هفت مجلس در آن آمده است؛ یعنی از رمضان ۵۸۴ ه.ق تا ذی‌الحجه ۵۸۵ ه.ق. او به مدت چهار ماه توانسته است در این مجالس حضور یابد و مطالب آن جلسات را بنویسد. موضوع کتاب سلوک و درویشی و تحیر، اخفای راز، مردان کامل، مردان غیب و کشف و کرامات است. البته مانند *اسرارالاولیاء* برای هر موضوع فصل جداگانه‌ای نوشته نشده است. علاوه بر پند و اندرز و نصایح خواجه قطب‌الدین بختیار، بعضی اقوال و وقایع زندگی خواجه معین‌الدین چشتی اجمیری نیز آمده است. مصاحبت خواجه قطب‌الدین و حمیدالدین ناگوری از مطالب دیگری است که در آن بیان شده که ضمن مسافرت با هم برخورد کرده بودند. روش گفتگو پندآمیز و نصیحتگرانه است؛ مرشد به مرید خود «ای درویش» میگوید و پند میدهد (طباطبایی، ۱۳۸۵: ۲۳۵). در این اثر علاوه بر بیان کشف و کرامتهای محال و غیرممکن صوفیان مانند آوردن کعبه به چشت برای عبادت خواجه مودود چشتی، (مجلس دوم) و یا آمدن بهاء‌الدین زکریای ملتانی در یک شب از ملتان به دهلی برای حضور در دادگاه شیخ جلال‌الدین تبریزی (در همان مجلس)، بعضی مطالب اشتباه تاریخی نیز وجود دارد؛ مانند ذکر سلطان شمس‌الدین التمش در ذی‌الحجه ۵۸۴ هجری قمری و بنده‌نوازی وی و دستگیری از محرومان

و بینوایان، حال آنکه وی در سال ۶۰۷ به پادشاهی رسیده است (همان: ۲۳۶). فوائد السالکین در لاهور چاپ سنگی شده است و چند نسخه خطی هم از آن موجود است (منزوی، ۱۳۵۷، صص ۷۵۰/۲-۷۵۱؛ خطی مشترک، ۱۷۶۵/۳-۱۷۶۷، خطی، ۱۳۰۴/۲). بجز این اثر، احتمالاً باقی آثار منسوب به او است ولی در کتب تاریخی و نسخه‌های خطی به نام وی است از این جمله:

گنج اسرار: این اثر رساله مختصری است در موضوع تصوف؛ نگارش این کتاب عالمانه است و به شیوه کتب فلسفی نزدیک است.

جوگینامه: نام و ذکر این رساله در تذکره‌الاصفیای شیخ یوسف‌بن شاه مکی از مریدان سید حسین خوندامیر تألیف ۹۵۱ ه.ق آمده است (همانجا).

رساله وجودیه: نسخه‌ای از آن در دانشگاه پیشاور است (به شماره ۵۰۲). به نظر می‌رسد هرکه این رساله را نوشته است، با اندیشه‌های هندی و ادیان مختلف آن آشنایی کامل داشته و قصد تطبیق عرفان هندی با عرفان اسلامی را داشته است.

بخش دیگر آثار وی ملفوظات وی است. ملفوظات اصطلاح عامی است که در بعضی سلسله‌ها مانند سهروردیه و نقشبندی و چشتیه رواج داشته است و نگارش آن به این شیوه بوده که یکی از مریدان شیخ که معمولاً از مریدان درجه اول بوده، تمامی سخنان وی را به نگارش درمی‌آورد و در بعضی مواقع حتی به شیخ خود نشان میداد تا اگر جایی اشتباه یا کژفهمی رخ داده اصلاح شود. از معروفترین ملفوظات میتوان به *فوائد/فؤاد* نوشته حسن سجری اشاره کرد. نگارش ملفوظات از چند جنبه حائز اهمیت بود؛ از جمله ادبی، سیاسی، تاریخی و اجتماعی. ملفوظات از یک سو نگارش مرید شیخ است و از سوی دیگر چون مرید املا میکرد و تفکری در نگارش آن نداشت، میتوان آن را به خود شیخ نسبت داد. ملفوظات شیخ فریدالدین گنج‌شکر را دو مرید وی جمع‌آوری کردند:

اسرارالاولیاء: ملفوظات وی است که به قلم مرید و جانشین و خادم و داماد وی بدرالدین اسحاق در بیست و دو فصل در اسرار عشق اولیاء، ذکر متعبدان و درویشان، توبه، خدمت بزرگان کردن و غیره فراهم آمده است. نثر این کتاب ساده و بی‌پیرایه است و هرازگاهی رباعی و بیتی از زبان شیخ برای تأیید سخنش بیان میشود. البته شیخ برای مجاب کردن مخاطبش از استشادات قرآنی و احادیث و بوفور از حکایات بعضاً مغلوط بویژه کلام بزرگان طریقت چشتیه نیز بهره میبرد که عیناً همین شیوه را در *راحت‌القلوب* میبینیم (منزوی، ۱۳۵۷: صص ۵۵۲-۵۵۳). *راحت‌القلوب*: ملفوظات شیخ فریدالدین از خلیفه دیگرش به نام نظام‌الدین اولیای بدایونی (۶۳۴-۷۲۵ ه.ق) است. بنا به گفته نظام اولیاء در همان مجلس که کلاه و ولایت هندوستان یافت، نیت نگارش ملفوظات را در سر پروراند که بابا فرید از روی فراست دریافت و آن را تأیید کرد. این اثر بدون ذکر نام مجلس و یا فصلبندی خاصی جمع‌آوری شده است. آغاز آن به تاریخ رجب ۶۵۵ ه.ق است تا دوم ربیع‌الاول ۶۵۶ ه.ق که بنا بر تصریح نظام اولیاء، شیخ پس از آن چند وقتی بیشتر زنده نماند (طباطبایی، ۱۳۹۱: ۳۵۹).

اشعار: بابا فرید به فارسی شعر نیکو میسرود و رباعیاتی از او باقی مانده است. گذشته از آن، به زبان پنجابی و اردو هم اشعاری به شیخ نسبت داده‌اند که اشعار پنجابی وی جنبه ارشادی داشته است، اما در صحت انتساب اشعار غیرفارسی به او، خصوصاً به زبان اردو، جای تردید است. مؤلفان قدیم که تقریباً معاصر وی بوده‌اند، مانند میخورد، صاحب سیرالاولیاء، و حتی مؤلف متأخرتری چون غلام سرور لاهوری، به این اشعار اشاره نکرده‌اند. (آریا، ۱۳۶۵: صص ۱۱۹-۱۲۰).

اهمیت فوائدالسالکین

بابافرید در «فوائدالسالکین» بسیاری از حقایق و اسرار معرفت طریقت چشتیه را ذکر کرده است. فوائدالسالکین از این جهات حائز اهمیت است: نوشته فریدالدین شکرگنج یکی از مشهورترین اقطاب چشتیه است؛ به یکی از مهمترین دورانه‌های چشتیه یعنی مهاجرت به هندوستان میپردازد، به قطبیهایی مانند معین‌الدین اجمیری و قطب‌الدین بختیار کاکي میپردازد که باعث استقرار و پایگیری این سلسله در هند شدند؛ میتوان با تأثیرات تصوّف و اسلام بر شبه‌قاره و همچنین با تصوّف پیش از اختلاط با عقاید ابن عربی آشنا شد. مضافاً میتوان ویژگیهای سبکی و رسم‌الخطی بکاررفته در اثر را نمونه‌ای از سبک نگارش پارسی‌زبانان شبه‌قاره در قرن ۶ و ۷ هجری دانست. این اثر را منزوی در فهرست مشترک (پاکستان ج ۳، ص ۱۷۶۵) و نیز فهرستواره کتابهای فارسی (ج ۷، ص ۷۱۹-۷۲۰) با اشاره به تمامی نسخه‌های خطی آن، مورد بحث قرار داده و دو آغاز برای آن مشخص کرده است. در معرفینامه او پدیدآور اثر خواجه فریدالدین مسعود شکرگنج بابافرید (۶۶۴-۶۶۶ق) دانسته شده و در ادامه از اینکه تاریخ برخی مجالس توسط پدیدآور (۵۸۴ و ۵۸۵ق) ثبت شده، سخن رفته است. این موارد (تاریخ قرن ششمی اثر که در آغاز آن ثبت است و نیز قید کردن نام اجودهنی بعنوان مؤلف) در معرفینامه فهرستنگاران کتابخانه مرعشی (ج ۹، ص ۱۳۳) و مجلس (ج ۱۰، ص ۲۶۹) نیز دیده میشود.

مؤلف این نسخه، فریدالدین گنج‌شکر، مراحل سیروسلوک عارفانه و مجالس پیران صوفیه را از زبان پیر خود، بختیار اوشی، در مجالس صوفیه نگاشته است. فوائدالسالکین از جنبه‌های سبک‌شناسی زیر دارای اهمیت است: از لحاظ ادبی: این کتاب نمونه انشای قرن ششم و هفتم ه.ق و نمونه‌ای از نثر مجالس صوفیانه شبه‌قاره هند است و میتواند برای مقایسه بین شیوه‌های سبکی مختلف نثر فارسی مورد استفاده و بررسی قرار بگیرد. استفاده از صنایع بدیع لفظی و معنوی از قبیل جناس، سجع، تضمین، تشبیه، استعاره، تمثیل، و تضمین از دیگر ویژگیهای فوائدالسالکین است. در این اثر کاربرد احادیث در حدی است که اگر از متن حذف شوند، جملات و معانی آن دچار نقصان میشود.

از لحاظ تاریخی: فوائدالسالکین بیانگر حوادث و رویدادهای تاریخی طریقت چشتیه در اواخر دوران اعتلای آن است. حوادث تاریخی مهم و ویژگیهای تصوّف در قرن هفتم و در طریقت چشتیه، بخوبی در این اثر منعکس شده است. از لحاظ ساختاری: مجالس پیران چشتیه از آغاز بحث تا ذکر داستان و قصص مرتبط و بعد نتیجه‌گیری مورد بررسی قرار میگردد.

از لحاظ زبانی: ویژگیهای زبانی و دستوری فوائدالسالکین بعنوان اثر مهمی از قرن هفتم شبه‌قاره، حائز اهمیت است. از لحاظ اعلام تاریخی: فوائدالسالکین علاوه بر ارزش ادبی و اهمیت سبک‌شناسی، اطلاعات مستندی درباره زمان نگارش اثر دارد. در پایان هر مجلس تاریخ نگارش ملفوظات ذکر شده است.

از لحاظ جامعه‌شناسی: فوائدالسالکین قابلیت بررسی و نقد جامعه‌شناسانه جمع و مجالس پیران صوفیه و آداب و اخلاقشان را دارد و درخور توجه و حائز اهمیت است.

این نسخه با مقدمه‌ای موجز پی‌افکنده میشود و با تمثیل، ذکر قصص و یا احادیثی مرتبط با موضوع بحث و مجلس ادامه مییابد و با ذکر تاریخ کتابت مجلس، خاتمه مییابد: «فوائدالسالکین نبشته آمد به تاریخ روز دوشنبه پنجم ماه رمضان سنه اربع و ثمانین و خمسه، و در تاریخ دهم ماه رمضان المبارک ۱۰۸۹ خاتمه یافت».

سبک‌شناسی فوائدالسالکین

در متن فوائدالسالکین، مانند دیگر آثار عرفانی، استفاده مکرر از عبارات و الفاظ عربی، ترکیبات عربی، مطابقت

صفت و موصوف، بکارگیری صنایعی چون تشبیه، استعاره، جناس، سجع، آیات و احادیث و امثال و اشعار فارسی از ویژگیهای سبکی قرن هفتم است که در فوائدالسالکین نیز مشهود است. در این کتاب برداشتهای خاص مؤلف در زمینه تفسیر و تأویل عرفانی برخی احادیث و اصطلاحات و شرح مباحث کلامی به چشم میخورد؛ از آن جمله است:

«چون طعام را از برای قوت عبادت حق خوری، چون نیت این باشد پس گویی در طاعت باشند. چون کسی در طاعت باشد او را روا نبود که جواب سلام بدهد و به آینده نیز روا نیست که سلام گوید» (فوائدالسالکین: ۴۰) متن کتاب، نثر آمیخته با نظم است:

«چشم پرآب کرد و بگریست و گفت که از آن درویش این مثنوی شنیدم از حد پسندیده؛ هر آن ملکی که در پس میگذارم/ دو صد ملکی دگر در پیش دارم» (همان: ۲۳).

زبان این اثر مانند دیگر آثار عرفانی، در بسیاری موارد از قواعد زبان عربی پیروی میکند؛ از آن جمله است: مطابقت صفت و موصوف، جمع مکسر عربی، حذف به قرینه اجزای جمله بویژه فعل. پیوند خاطر صوفیه با قرآن کریم، احادیث و شریعت، متون صوفیه را به تأثیرپذیری از زبان عربی که زبان قرآن است، سوق میدهد. در جای جای اثر تنوع نثر نسخه دیده میشود؛ در مواردی که هدف نویسنده اثبات یا نفی موضوعی کلامی یا عرفانی، بویژه تأکید بر باور و اعتقادی خاص بوده است، مطالب کتاب در قالب عباراتی متأثر از زبان عربی (موزون و مسجع و در مواردی مغلق و مصنوع) بیان میشود؛ و در مقابل بخشهای دیگر کتاب از همان شیوه‌ای تبعیت میکند که در زبان اهل ادب به «نثر مرسل عالی» شهرت یافته است.

برخی شواهد تبعیت متن از زبان عربی عبارت است از:

جمع عربی: غلبات (همان: ۲۳) - انوار (همان: ۲۳) - اسرار (همان: ۲۴) - طعام (همان: ۴۰)

حذف فعل معین از ماضی نقلی و یا استمرار به قرینه: «تا اندک نخوری و اندک نگویی و اندک نخسبی و تا اندک صحبت با خلق نکن (ی)» (همان: ۲۱).

مطابقت صفت و موصوف: «خواجگان کبار» (همان: ۳۰).

جمع بستن جمع: عجایبها (همان: ۲۵)، شمایان.

صفت مرکب عربی: قطب‌الدین، ملک المشایخ، سلطان الطریقت، برهان الحقیقت، شیخ المعظم، رئیس السالکین، امام العالمین، سراج الاولیاء، تاج‌الاصفیاء، قطب الحق (همان: ۲۰).

تتابع اضافات: «از لفظ دربار گوهر نثار ملک المشایخ سلطان الطریقه قطب الحق و الدین بختیار اوشی» (همان: ۲۰).

برخی دیگر از ویژگیهای سبکی، زبانی و دستوری نسخه عبارت است از:

کاربرد ویژه افعال

تخفیف فعل: «آرم: آورم» (همان: ۳۹).

آوردن فعل لازم در مفهوم متعدی آن: «ایستاده شد» (همان: ۴۸).

افعال پیشوندی: فرو گذاشت (همان: ۳۰).

استعمال صورت ویژه فعل ماضی استمراری: «اگر برهنه بیامدی: می‌آمد» (همان: ۲۲).

آوردن بای تأکید بر سر فعل ماضی: «بنهاد»، «برسیدی» (همان: ۲۱).

ترکیب فارسی و عربی: شبانه یوم (همان: ۴۰).

کاربرد فعل در صورت و معنایی متفاوت: «میکنند: میپذیرد» (همان: ۴۱).
استعمال صورت قدیمی فعل: آماده شد: تیار شد (همان: ۲۲)؛ بار نیاید: اجازه دخول نیابد (همان: ۲۷)؛ آن اسرار را کشف گردانید: اسرار را فاش کرد (همان: ۲۹)؛ گذار شد: رفت (همان: ۳۶).
املای کلمات به شیوه‌ای قدیمی که امروزه در زبان معیار غلط املائی محسوب میشوند: سحو به جای صحو. زوق به جای ذوق (همان: ۲۷).

کاربرد «مصادر جعلی» و واژه‌های مختوم به یای مصدری:
مصادر جعلی: «الوهیت، اولیت» (همان: ۴۶).
واژه‌های مختوم به یای مصدری: «بیسامانی» (همان: ۲۶) «جز کاملی حاصل نی» (همان: ۳۳).
تقدیم و تأخیر ارکان جمله: «درین مجموعه که نام اوست فوائدالسالکین» (همان: ۲۰).
مر تأکید مفعولی: «مر مهتر جبرئیل را» (همان: ۳۳).
کاربرد واژه و ترکیب در هیئت و معنایی دیگرگون: «مشرف گردانید: مشرف کرد» (همان: ۳۲)
موصوف و صفت مقلوب: «بزرگ کسی خواهد بود» (همان: ۲۶).
هرچند نثر این نسخه از نمونه‌های اعلای نثر فارسی نیست، اما از زیباییهای ادبی و بلاغی فراوانی برخوردار است. جز این علیرغم تأثیرپذیری نثر کتاب از زبان عربی و مغلق‌گویی، مؤلف در موارد مقتضی از آراستن کلام خود به آرایه‌های مناسب لفظی و معنوی بهره میبرد و از آن جمله است:
سجع: از آرایه‌های پرکاربرد در این اثر، انواع سجع است. در اینجا به نمونه‌هایی از هر مورد بسنده میکنیم.
سجع متوازی: «فقیر و حقیر»، «صغیر و کبیر» (همان: ۲۱)؛ «نشاید و نباید» (همانجا).
سجع مطرف: «الهی، نامتناهی»، «درربار، گوهرنثار» (همان: ۲۰).
سجع متوازن: «قواعد، فوائد» (همان: ۲۰).
جناس: از آرایه‌های دیگری که در اثر بسامد بالایی دارد، جناس میباشد که از انواع مختلف آن نمونه‌هایی میتوان یافت.

جناس محرف: ملکی، ملکی (همان: ۳۲).
جناس اختلافی: غل و غش (همان: ۲۵).
کاربرد آیات و احادیث: در فوائدالسالکین آیات و احادیث و امثال به گونه‌های مختلفی به کار گرفته شده است. این امر به همراه عنایت مؤلف به متون و عبارات عربی، موجب راه یافتن برخی واژه‌های نسبتاً دشوار عربی به متن شده است. از آن جمله‌اند: حاشا و کلا (همان: ۲۴)؛ تحت الثری (همان: ۲۴)؛ لاجرم (همان: ۳۰)؛ انار الله برهانه (همان: ۳۲).

تضمین آیه: اَلَا اِنَّ اَوْلِیَاءَ اللّٰهِ لَآخُوْفٌ عَلَیْهِمْ وَ لَا هُمْ یَحْزَنُوْنَ (یونس/۶۲) (همان: ۲۰).
هل من مزید: مقتبس از قرآن کریم (۵۰/۳۰) است. صورت ترکیبی این جمله تأویل به مصدر میشود و به جای «بیشتر خواستن» و «افزون طلبیدن» به کار میرود (همان: ۳۱).
حل حدیث: توصیف یا شرح معنی ماقبل: یکی دیگر از شیوه‌های استفاده از آیات و احادیث و ارتباط آنها با متن، توصیف یا تشریح معنی قبل است. (خطیبی، ۱۳۷۵: ۲۰۴).
عند اهل المعرفة بلای المحبت شفاء: نزد اهل معرفت بلای دوست به جای دوست است (همان: ۴۲).

در فوئادالسالکین آرایه‌های ادبی از قبیل تشبیه، استعاره، کنایه نیز جایگاه ویژه‌ای دارد و در بسیاری از عبارات توصیفی و عاطفی از آنها استفاده شده است و باید اذعان داشت که زیباترین عبارات کتاب، عباراتی است که از محاسن بیانی برخوردارند. در این مجال اندک، بصورت گذرا، از هر مورد مثالی می‌آوریم تا خواننده را در خواندن کتاب ذوق افزاید و با ظرایف آن آشنا سازد.

تشبیه: از جمله صنعت‌هایی است که بسامد بالایی در فوئادالسالکین دارد و بکارگیری این صنعت زیبایی متن را دوچندان کرده است.

تشبیه بلیغ: بادیۀ ضلالت (همان: ۲۰)؛ قدح محبت (همان: ۲۴)؛ دریای محبت (همان: ۲۷)؛ خلعت بیعت (همان: ۳۲)؛ دریا‌های ابد (همان: ۳۱)؛ نسیم لطف و عنایت (همان: ۳۷).
تشبیه مجمل: صحبت خلق را همچون مار دانسته‌اند (همان: ۲۵).

تشبیه مرسل: کژدم به قیاس شتر بزرگ پیدا شد اما چون تیر پران می‌آید (همان: ۳۵).
تضاد: صغیر و کبیر- توانگر و درویش (همان: ۲۱)؛ ابد و ازل (همان: ۳۱)؛ درویشی و انبارداری (همان: ۳۱)؛ مصلحان و عاصیان (همان: ۳۷)؛ پارسایان و گنهکاران (همان: ۳۷)؛ بلا و نعمت (همان: ۴۲).
تنسیق الصفات: بیشتر میزان استفاده از تنسیق الصفات در مدح غیرمستقیم است و پس از نام مشایخ چشتیه که شخصیت‌های مورد احترامند و گاهی موصوف مقدم بر صفت شده است. گاهی در آوردن تعداد صفات مبالغه کرده و این مبالغه سبب اغراق شده است.

کنایه: در مقایسه با مجاز، نویسنده بیشتر از کنایه استفاده کرده است. حتی گاهی کنایه‌سازی میکند به شکلی که برخی کنایات خاص اوست.

هنوز در هفتاد حجاب هستی: هنوز در آغاز راه سلوکی و در حجاب (همان: ۳۰).
آلایش دنیا بر خود نکاهد: ترک تعلقات دنیایی نکند (همان: ۳۳).
همینجا تجرید شو: از تعلقات دنیایی تهی شو (همان: ۳۴).
تمثیل: ذکر داستان حضرت عیسی در بین موضوع، بصورت تمثیل و درنهایت ذکر شعری مرتبط با داستان؛ «شد حجاب راه عیسی سوزنی/ از نمد سازی تو خود را جوشنی» (همان: ۲۲).

ویژگیهای نوشتاری و رسم الخط نسخه

برخی موارد که از حیث بسامد کاربردی در متن از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است به شرح زیر است:
آوردن سه نقطه در بالای برخی واژه‌ها به نشانه خاتمه مصراعهای ابیات.
استعمال «ة» به جای «ت»: قوه- صلوۀ الله (همان: ۲۶) - صلاۀ (همان: ۲۰).
عدم توجه به درج بعضی نقطه‌ها: علی الصوه (همان: ۲۸).
قرار دادن دو نقطه در زیر (یا): جوشنی، متاعی (همان: ۲۲).
آوردن علامت مد (~) در واژه‌هایی همچون: آرزانیدی-آرزانیدی (همان: ۲۰).
نوشتن نون نفی جدا از فعل: نه ببینی، نه بخوردی (همان: ۳۴).
اتصال صفات اشاره به موصوف: اینمقدار (همان: ۲۰) و آنزمان.
«گاف» همچون اکثر متون خطی با یک سرکش و بصورت «کاف» آمده است و گاهی برعکس: ناکوری: ناگوری (همان: ۲۴) و آنکاه: آنگاه (همان: ۴۴) و خواجگان: خواجکان (همان: ۴۴).

درج دیگرگون بعضی واژه‌ها: سیوم: سوم (همان: ۲۰) و هژده: هجده (همان: ۲۸). شماره مکتوبات برخی تواریخ و عبارات عربی و مطالب شماره‌دار با رنگ شنگرف از دیگر مطالب متمایز شده است. مؤلف در برخی موارد با کشیدن خط تیره در زیر واژه‌ها و ترکیبات، این مطالب را مؤکد کرده است. اکثر صفحات زوج نسخه، مزین به «رکابه» است؛ به این معنا که اولین واژه یا ترکیب صفحه بعد در حاشیه تحتانی صفحه قبل آمده است. کتابت اشعار (ابیات و تک مصرعها) در متن مطابق با متون منثور، بصورت عبارت و سطر است؛ این امر کار خواندن را در مواردی با مشکل مواجه می‌کند.

نتیجه‌گیری

کتاب «فوائدالسالکین» بعنوان یکی از آثار مهم و ارزشمند سلسله «چشتیه» مورد توجه تذکره‌نویسان بوده است و مطالعه این کتاب که مهمترین اثر بابافریدالدین گنج‌شکر است، بدلیل احتوا بر مطالبی درخور و جامع، یکی از منابع مهم درجهت شناخت اوضاع فرهنگی، ادبی و عرفانی قرن هفتم است. مؤلف مطالبی بدیع از مجالس صوفیه را ذکر میکند و در بسیاری موارد هم به مناسبت از بزرگان عرفان و تصوف یاد میکند؛ از آن جمله‌اند: امام محمد غزالی، شهاب‌الدین سهرودی، قاضی حمیدالدین ناگوری، مولانا علی کرمانی، و شمس‌الدین ترک. همین امر حاکی از تأثیرپذیری مؤلف از باورهای بزرگان و پیشوایان تصوف بوده است. فوائدالسالکین، نمونه‌ای از سبک نگارش پارسی‌زبانان شبه‌قاره در قرن ششم و هفتم است که بلحاظ نسخه‌شناسی، اثری درخور توجه است. بلحاظ محتوا، فوائدالسالکین شامل مجالس پیران چشتیه و آداب و تعلیمات آن سلسله است و از منظر نسخه‌شناسی و ظاهر نیز اثری درخور توجه است.

کاربرد اصطلاحات عرفانی خاص توحید، حادث و قدیم، وحدت، رابطه مرید و مراد، وصول الی الله، اسرار عشق، نور اول، سلوک و ... در جای جای اثر دیده میشود و تنوع در نوع نگارش و نشر کتاب نیز چشمگیر و درخور توجه است؛ به این معنا که در بخش آغازین (بویژه دیباچه و مقدمه) پیرو سبک مرسل «مرسل عالی» است؛ اما متن اصلی کتاب در بسیاری از موارد به اغلاق و تعقید سوق یافته است. پیروی درخور توجه نشر کتاب از قواعد زبان عربی شامل مطابقت صفت و موصوف، تتابع اضافات، جمع مکسر، حذف به قرینه اجزای جمله، کاربرد ویژه افعال، کاربرد واژه و ترکیب در هیأت و معانی دیگرگون در اکثر موارد به چشم می‌خورد.

مشارکت نویسندگان

این مقاله از رساله دوره دکتری زبان و ادبیات فارسی مصوّب در دانشکده علوم انسانی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران شمال استخراج شده است. آقای دکتر اصغر دادبه راهنمایی این رساله را برعهده داشته و طراح اصلی این مطالعه بوده‌اند. سرکار خانم بهاره محمدزاده بعنوان پژوهشگر این رساله در گردآوری داده‌ها و تنظیم متن نهایی نقش داشته‌اند. آقای دکتر عبدالحسین به عنوان مشاور نیز در تجزیه و تحلیل داده‌ها و راهنماییهای تخصصی این پژوهش نقش داشته‌اند. در نهایت تحلیل محتوای مقاله حاصل تلاش و مشارکت هر سه پژوهشگر بوده است.

تشکر و قدردانی

با سپاس بیکران از لطف و عنایت استاد بزرگوار جناب آقای دکتر علیرضا صالحی که مرا در انجام این پژوهش

مساعدت کردند.

تعارض منافع

نویسندگان این مقاله گواهی مینمایند که این اثر در هیچ نشریه داخلی و خارجی به چاپ نرسیده و حاصل فعالیتهای پژوهشی تمامی نویسندگان است، و ایشان نسبت به انتشار آن آگاهی و رضایت دارند. این تحقیق طبق کلیه قوانین و مقررات اخلاقی اجرا شده و هیچ تخلف و تقلبی صورت نگرفته است. مسئولیت گزارش تعارض احتمالی منافع و حامیان مالی پژوهش به عهده نویسنده مسئول است، و ایشان مسئولیت کلیه موارد ذکر شده را بر عهده میگیرند.

REFERENCES

- Ala' saji. A. (2011). Favaedol favaed. Tehran: Erfan, p.32-126.
- Alavi Kermani. S. (2019). Siyarol Awaliya. Persian research center of Iran and Pakistan, p.68.
- Anvari, H. (2008). The culture of speech: Sokhan, p.578.
- Arya, Gh. (7986). Chishtiyye method in India and Pakistan. Tehran: Zavvar, p. 108.
- Babafaridoldin. (664AH). Favaedolsalekin. Parliament version: p. 2885.
- Badroldin, E. matba name Pakistan. lithography: without, pp.553-552.
- Fereshteh. M. (1247AH). The history of the angel, India, p.383.
- Gholamali, A. (1986). Chishti method in india and Pakistan. Tehran: Zavvar, p.108.
- Ghoreyshi lahari. Gh. Al-Asfia Treasury. kanpur, p.304.
- Khatibi, H. (1996). The art of prose in persian literature: Zavvar, 2nd ed. Tehran, p.204.
- Mansur Tabatabaei. M and Fazli darzi. B. (2012). Status and works of baba faridoldin ganj shekar, *Stylistics of Persian poetry and prose*, No18, p.235, 359.
- Mirkhord. M. (1357). Siyarololiya. lahoury, p.101.
- Mohaddes. A. (2004). Latest news. First edition, Tehran: Association of Cultural Works and Honors, pp.100-101.
- Mojtabaei. F and Alizadeh. B. (2008). Religious policy of Islamic governments in the subcontinent. *Alzahra University Humanities*, 17 (71), pp.51-65.

فهرست منابع فارسی

- آریا، غلامعلی. (۱۳۶۵). *طریقه چشتیه در هند و پاکستان*. تهران: زوار، ص ۱۰۸.
- انوری، حسن. (۱۳۸۷). *فرهنگ اعلام سخن*. جلد اول، تهران: سخن، ص ۵۷۸.
- بابا فریدالدین. (۶۶۴). *فوائدالسالکین*. نسخه مجلس، شماره ۲۸۸۵.
- بدرالدین، اسحاق. *اسرارالاولیاء*. مطبع نامی پاکستان. چاپ سنگی، بی تا، ص ۵۵۲-۵۵۳.
- خطیبی، حسین. (۱۳۷۵). *فن نثر در ادب فارسی*. چاپ دوم، تهران: زوار، ص ۲۰۴.
- علاء سجزی، امیرحسن. (۱۳۹۰). *فوائدالفؤاد (ملفوظات حضرت خواجه نظامالدین اولیاء با تصحیح و توضیحات توفیق ه. سبحانی)*. تهران: مؤسسه انتشارات عرفان، ص ۳۲، ۱۲۶.

علوی کرمانی، سیدمحمد مبارک. (۱۳۹۸ه.ق). سیرالاولیاء. مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان، ص ۶۸.
فرشته، محمدقاسم. (۱۲۴۷). تاریخ فرشته. هند، ص ۳۸۳.
قریشی لاهوری، غلام سروربن محمد. (۱۳۲۰ه.ق). خزینةالاصفیاء. نول کشور، کانپور، ص ۳۰۴.
مجتبایی، فتح‌الله و عزیزاده مقدم، بدرالسادات. (بهار ۱۳۸۷). «سیاست دینی حکومت‌های اسلامی در شبه‌قاره (از آغاز تا تأسیس حکومت بابرین)» فصلنامه علمی پژوهشی علوم انسانی دانشگاه الزهرا (س). (۷۱) ۱۷، صص ۶۵-۵۱.
محدث دهلوی، عبدالحق. (۱۳۸۳). اخبار الاخیار فی اسرار الابرار. تصحیح و توضیح علیم اشرف‌خان. تهران: انجمن آثار و مفاخر فرهنگی، ص ۱۰۰، ۱۰۱.
منصور طباطبایی، سیدمحمد و فضلی درزی، بهاره. (۱۳۹۱). «احوال و آثار بابافریدالدین گنج‌شکر (شکرگنج)». سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)، شماره ۱۸، ص ۲۳۵، ۳۵۹.
میرخورد، محمد. (۱۳۵۷). سیرالاولیاء. لاهوری: بی نا، ص ۱۰۱.

معرفی نویسندگان

بهاره محمدزاده: دانشجوی دکتری گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران.

(Email: baharehmohammadzadehh@gmail.com)

اصغر دادبه: استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ استاد گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده ادبیات و زبانهای خارجی، دانشگاه علامه طباطبایی، تهران، ایران.

(Email: a.daadbeh@yahoo.com : نویسنده مسئول)

عبدالحسین فرزاد: دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشکده علوم انسانی، واحد تهران شمال، دانشگاه آزاد اسلامی، تهران، ایران؛ دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران، ایران.

(Email: abdolhosein.farzad@gmail.com)

COPYRIGHTS

©2021 The author(s). This is an open access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution (CC BY 4.0), which permits unrestricted use, distribution, and reproduction in any medium, as long as the original authors and source are cited. no permission is required from the authors or the publishers.

Introducing the authors

Bahareh Mohammadzadeh: Ph.D. student, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

(Email: baharehmohammadzadehh@gmail.com)

Asghar Dadbeh: Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Professor of the Department of Persian Language and Literature, Faculty of Literature and Foreign Languages, Allameh Tabataba'i University, Tehran, Iran.

(Email: a.daadbeh@yahoo.com : Responsible author)

Abdul Hossein Farzad: Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Faculty of Humanities, North Tehran Branch, Islamic Azad University, Tehran, Iran; Associate Professor, Department of Persian Language and Literature, Institute of Humanities and Cultural Studies, Tehran, Iran.

(Email: abdolhosein.farzad@gmail.com)